علم از دریچه سینما

گرمایی زیر پوست سرد

بررسی و معرفی کوتاه فیلم «پوست سرد»

عبدالرضا ناصرمقدسی*

فیلم «پوست سرد» محصول سال ۲۰۱۷ و به کارگردانی «خاویر گنز» است. فیلمی با موضوعی متفاوت که جنبه‌های عمیق خود را زیر سایه ژانر وحشت پنهان کرده است. اگرچه هرچه پیش‌تر می‌رویم متوجه می‌شوم آنچه باید از آن ترسید نه موجودات بی‌نوای به تصویر کشیده‌شده در این فیلم بلکه نفس خود آدمیزاد است. فیلم به عمیق‌ترین جنبه‌های زیستی و تکامل در دل جهانی سرد و یخ‌زده می‌پردازد. جوانی ایرلندی به نام «فرند» با یک کشتی و بعد از سفری دور و دراز به جزیره‌ای دورافتاده در اقیانوس اطلس می‌آید تا مسئولیتی را در دنیایی بر عهده بگیرد که به نظر می‌رسد هیچ مسافری ندارد. او مسئول هواشناسی این جزیره متروکه است؛ جزیره‌ای که به‌جز او تنها شخصی با نام «گرونر» که مسئول فانوس دریایی است، در آن زندگی می‌کند. «گرونر» از دنیای متمدن بسیار فاصله گرفته و خود را در این محیط سرد و خشک محبوس کرده است. «فرند» البته کاری به او ندارد. او کتاب‌ها و انبوه وسایلی را که با خود آورده، به داخل کلبه‌ای می‌برد تا زندگی پارساوار و متألمانه خود را در این جزیره متروک آغاز کند؛ اما جالب است که او با وسایل مأمور قبلی هواشناسی روبه‌رو می‌شود که جالب‌ترین آن دفترهای یادداشت او است؛ دفترهایی که به توصیف جانداران، صدف‌ها، استخوان‌ها و در نهایت موجودات عجیب‌وغریبی می‌پردازد که به نظر می‌رسد به دنیای تخیل نویسنده ارتباط داشته باشند. هرچند تواتر شکل‌ها و یادداشت‌ها در انسان شکی بزرگ به وجود می‌آورد که نکند این جانداران عجیب واقعیت خارجی داشته باشند.

او غرق این افکار در کنار شومینه نشسته که صدایی از بیرون می‌آید. صدایی که در نظر اول باید آقای «گرونر» باشد؛ اما وقتی که پاسخی داده نمی‌شود، او شک می‌کند تا اینکه دستی شبیه دست وزغ از زیر در به درون می‌آید و اینجاست که «فرند» متوجه می‌شود که با داستان‌ها و حوادث عجیبی روبه‌رو خواهد بود؛ حوادثی که بیشتر از آنکه کنجکاوی او را برانگیزند، سبب ترس و واهمه وی می‌شوند. آن شب با ترس بسیار به صبح می‌رسد. او صبح سراغ «گرونر» می‌رود تا واقعیت ماجرا را بفهمد و اینجاست که متوجه می‌شود در این جزیره دورافتاده انگار انتخاب طبیعی راه متفاوتی را رفته و جانداران متفاوتی را به وجود آورده است.

بخش مهمی از بحث ما به همین نگرش می‌پردازد. ما در فیلم با جاندارانی روبه‌رو هستیم که از دل دریا درآمده و دوزیست شده‌اند. دوزیستان جانداران شناخته‌شده‌ای برای ما هستند؛ اما اگر یک دوزیست بسته به شرایط زیستگاه و ژنتیک خود طوری تکامل پیدا کند که آگاه و هوشمند شود، در آن صورت با جانداران آگاهی روبه‌رو خواهیم بود که دوزیست بوده و جهان را از منظری متفاوت از ما می‌بینند. آنها برخلاف ما هم خشکی، هم هوا و هم آب را تجربه می‌کنند و همین شکل متفاوت تجربه سبب ایجاد آگاهی متفاوت در چنین جاندارانی می‌شود. متأسفانه فیلم به این تجربه‌های متفاوت نپرداخته و بیشتر به تقابل بین گونه انسان و این گونه ناشناخته دوزیستان هوشمند می‌پردازد؛ تقابلی که سرنوشتی تلخ را رقم می‌زند. اینکه دیدار دو گونه آگاه متفاوت با هم چگونه خواهد بود، موضوعی دور از تجربه بشری در تاریخ خود نیست. چیزی حدود ۵۰ هزار سال پیش ما با گونه آگاه نئاندرتال‌ها زندگی می‌کردیم که این زندگی لزوما صلح‌آمیز و به‌دنبال درک متقابل یکدیگر نبود.

شواهد نشان می‌دهد گونه هوموساپینس در انقراض نئاندرتال‌ها دخالت داشته است. همین اکنون نیز بیشترین نزاع‌ها در میان گونه خود ما اتفاق می‌افتد و بزرگ‌ترین جنگ‌ها و کشتارها بین خود آدمیان بوده است. پس به نظر می‌رسد حتی جانداران آگاه نیز برای بقا، غذا، قلمرو و جفت به جان هم می‌افتند و تا می‌توانند در نابودی هم می‌کوشند؛ همان چیزی که در فیلم «پوست سرد» اتفاق می‌افتد. اما چیزهای مثبت و نویدبخشی نیز در راه است. هستند کسانی که راه صلح بین گونه‌ها را در پی بگیرند. بفهمند که کارشان اشتباه بوده و می‌توانند با وجود تفاوت‌های بسیار و اشتراک در منابع به شکلی صلح‌آمیز در کنار یکدیگر به زندگی خود ادامه دهند. خوشبختانه این درک را هم در این فیلم زیبا مشاهده می‌کنیم. تقابل بین انسان‌ها و این دوزیستان آگاه به اوج می‌رسد. «گرونر» و «فرند» به‌خاطر برتری در هوش و ابزارهایی که داشتند، در ابتدا بر این موجودات توفق پیدا می‌کنند. آنها بسیاری از این دوزیستان را از بین می‌برند و می‌کشند؛ اما بعد از این اتفاق است که دوزیستان سعی می‌کنند رابطه خوبی با «فرند» برقرار کنند. کسی که به نظر می‌رسد از عملکرد ناشایست خود بسیار متأثر و غمگین شده است. همین موضوع هم سبب می‌شود «فرند» دست از همکاری با «گرونر» بردارد؛ اما «گرونر» که هنوز بر سر موضع خود بوده و می‌خواهد به کشتار این دوزیستان آگاه ادامه دهد، به دست آنها کشته می‌شود.

فیلم نه‌تنها فیلمی جذاب بود بلکه تأمل‌برانگیز هم شمرده می‌شد و انسان را با سؤال‌های بسیاری تنها می‌گذاشت. آیا واقعا ممکن است در گوشه‌ای از جهان با روندهای تکاملی‌ای روبه‌رو باشیم که منجر به هوش‌های متفاوتی شوند؟ اینکه جانداران کشف‌ناشده‌ای روی زمین باشند چندان غریب نیست، اما اینکه جاندار هوشمندی باشد و ما هنوز نشانه‌ای از آن پیدا نکرده باشیم کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد. اما در سیارات دیگر چطور؟ انسان هزاره‌هاست که به این موضوع فکر می‌کند: آیا در سیارات دیگر حیات هوشمندی وجود دارد؟ انسان امیدوار است روزی امکان دیدار با این فرازمینی‌های هوشمند و متمدن مهیا شود. در آن صورت این دیدار به چه صورتی خواهد بود؟ آیا باز ما راه جنگ و کشتار را پیش خواهیم گرفت؟ البته با این تفاوت که مشخص نیست این‌بار کدام گونه پیروز شود. به گمانم انسان باید در اولویت‌ها و ارزش‌هایش تجدیدنظر کند. باید ببینیم در طول تاریخ چه کرده‌ایم و آیا می‌توان به این شکل به زندگی خود ادامه داد؟ دیدن این فیلم را به همه توصیه می‌کنم.

*** متخصص مغز و اعصاب**

درس‌هایی از دانش و دانشورزی برای رئیس‌جمهور آینده ایران

ایران؛ آن‌گونه که هست و آن‌گونه که می‌تواند باشد

فریدون علی‌مازندرانی ، مصطفی روستایی ، حسن فتاحی

توانا بود هر که دانا بود
۱۳۱۲

توسعه یعنی رفتن به سوی جامعه انسانی‌ای که مسائلش را با بیشترین مشارکت و کمترین هزینه حل‌وفصل می‌کند؛ خواه مسئله تولید باشد، خواه مشکل توزیع باشد، خواه چالشی سیاسی باشد و خواه بحرانی اجتماعی. توسعه یعنی حاکمیت عقلانیت جمعی بر فرایندهای اجتماعی و اقتصادی به‌جای «حاکمیت سنت یا فرمان» بر این فرایندها.

«محسن رنانی»، اقتصاددان

از ماه‌ها پیش، حتی پیش از آنکه تنور انتخابات جایگاه ریاست‌جمهوری روشن شود و نامزدهای قطعی وارد کارزار شوند، گروه سه‌نفری ما درصدد بود مقاله‌ای را منتشر کند و در آن جایگاه دانش، دانشورزی و دانش‌مآبانه اندیشیدن رئیس‌جمهور بعدی ایران را یادآور شود. این مقاله به‌هیچ‌وجه رویکرد سیاسی ندارد. هیچ‌گونه تشویق و ترغیبی هم برای مردم عزیز ایران که چه کنش سیاسی را در پیش گیرند، ندارد. در حقیقت مخاطب این مقاله شخص رئیس‌جمهور ایران بوده و مبنای ما بر این اصل استوار است که هرکسی از هر جناح و هر تفکری جایگاه ریاست‌جمهوری را تصاحب کند، نیازمند نگرشی دانش‌محور و فناوری‌پایه است. به زبان ساده می‌خواهیم به دور از هرگونه زبان فنی، واژگان تخصصی و درازنویسی، موارد مهمی را یادآور شویم و نشان دهیم راه باریک توسعه از دالان دانش می‌گذرد و بس.

گنجی به نام ایران

آقای رئیس‌جمهور، قبل از هر چیز می‌خواهیم کمی درباره ایران بگوییم و جایگاه ایران را یادآور شویم. ایران صرفا یک کشور از میان در حدود ۲۰۰ کشور فعلی در کره زمین نیست؛ ایران پدیده‌ای کم‌نظیر در پیشینه تمدنی انسان خردمند امروزی است. ایران صرفا کشوری با بیش از ۸۰ میلیون جمعیت که تقریبا یک و یک‌دهم درصد جمعیت کره زمین را تشکیل می‌دهد نیست، بلکه سرزمینی با پشتوانه فرهنگی، تاریخی و اجتماعی است که در درازای تاریخ با جان‌فشانی مردمان ساکن این سرزمین تا به امروز دوام آورده و با وجود تمام دشواری‌هایی که از سر گذرانده هرگز هویت اصیل خود را گم نکرده است. ایران سرزمینی است که در دل خود بخشی از تمدن بشری را دارد و مرزهای آن محدود به مرزهای جغرافیایی فعلی به‌جامانده از سرزمینی پهناور نیست؛ بنابراین لازم است بدانید شما در جایگاه ریاست‌جمهوری کشوری قرار دارید که نه مثل برخی کشورهای همسایه و دوردست نوبه‌پاخاسته است و نه حتی همچون برخی کشورهای باتمدنی به‌مراتب کهن‌تر، ارتباط با گذشته‌اش قطع شده. هرچند ایران قدمتی دیرینه دارد، اما اگر حکومت هخامنشیان را سرآغاز پیدایش پدیده معنادار دولت-مردم فرض کنیم، ایران با تمام پیروزی‌های درخشانی که در موضوعات نظامی، فرهنگی و تمدنی داشته و نیز به‌رغم تمام شکست‌هایی که از جانب مهاجمانی همچون یونانی‌ها، اعراب، مغولان، تیمور، عثمانی و روسیه تزاری داشته باز هم شیرازه جغرافیایی، تمدنی و فرهنگی آن از هم نپاشیده است و توانسته پیوستگی خود را حفظ کند. در تمام این دوره‌های تاریخی، ایران سه گنج مهم داشته و دارد؛ مردمان ساکن این سرزمین، جغرافیای این سرزمین و پیشینه تمدنی این سرزمین. با این وصف، مستقل از حکومت‌ها و جناح‌ها و طبقه‌بندی‌های سیاسی، شما رئیس‌جمهور کشوری بسیار مهم هستید و باید قدردان این جایگاه باشید و تا پای جان برایش بکوشید. درباره اوضاع امروز ایران بیشتر خواهیم نوشت، اما در همین ابتدا می‌خواهیم نکته مهمی را یادآور شویم و امید آن داریم شما هم آن را فراموش نکنید. ایران می‌تواند در سایه خردمندی و خردورزی در جهان امروز شیر غران توسعه و خورشید درخشان دانش باشد. آقای رئیس‌جمهور، ایران را پاس بدارید و بدانید پاسداشت ایران با گرامی‌داشتن دانش و دانشورزی ممکن است.

اعداد سخن می‌گویند

«گالیله»، فیزیک‌دان نامور ایتالیایی جمله معروفی دارد: ریاضیات زبان طبیعت است. درواقع ریاضیات زبان دانش هم هست. حالا اجازه دهید ما این‌گونه بگوییم که ریاضیات زبان حکمرانی خردمندانه و دانش‌محور برای رئیس‌جمهور نیز هست. آقای رئیس‌جمهور، امروزه در دنیایی زندگی می‌کنیم که روز به روز بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود. همه‌چیز زیر ذره‌بین است. گره‌گشایی از پیچیدگی‌ها، از کوچک‌ترین واحد سازنده جامعه یعنی خانواده گرفته تا اداره یک کشور ۸۳میلیونی نیازمند هرچه پرسون‌ترشدن کمیت‌هاست. یکی از آفت‌های مهمی که جامعه ما را دربر گرفته، امتناع از دقیق سخن‌گفتن و بهره‌گیری از اعداد و نمودار است. سیاست‌مداران امروز کشور با هر رویکرد و دلیلی تمایل زیادی به کلی‌گویی دارند. واژگانی از قبیل «رشد چشمگیر»، «جهش اقتصادی» و «دستاوردهای علمی و صنعتی» در ظاهر زیبا اما درواقع ویرانگرند. این قبیل سخن‌گفتن امید واهی و ایجاد فضای ذهنی ناشفاف می‌کند. دسته‌ای از مردم جهش اقتصادی را در برابری ۱۰برابری و ۹هزاربرابری واحد پول کشور در مقابل ارزهای بزرگ تراکنش‌های مالی می‌دانند، دیگری در کاهش ۱۰برابری قیمت مسکن و هرکس تعبیری دارد. حتما داستان فیل مولانا را شنیده‌اید. اعداد کمک می‌کنند تا چراغ روشن شود و همه بدانند آنچه می‌بینند فیل است و نه چیز دیگر. پیشنهاد ما این است که یک مشاور اختصاصی اقتصاددان را استخدام کنید تا همه چیز را به زبان دقیق اعداد و تغییرات آن بیان کند. این‌گونه هم شما تصویر شفافی از تغییرات در بازه‌های زمانی به دست می‌آورید و هم امکان بهبود و بررسی راهکارها آسان‌تر می‌شود. اجازه دهید مردم هم به اعداد و نمودارها عادت کنند و تصویری شفاف از کشورشان به دست آورند. اگر مردم بدانند واقعا وضعیت آب کشور بحرانی است، بی‌شک مراعات می‌کنند. آقای رئیس‌جمهور لطفا از پژوهشگران و نهادهای مربوطه بخواهید در برخی حوزه‌ها گزارش‌های شفاف عددمحور به شما ارائه کنند. اعداد اقتصادی، اعداد اجتماعی، اعداد صنعتی، اعداد دانش و فناوری، اعداد محیط زیست، اعداد انرژی، اعداد هدررفت‌ها، اعداد فسادهای اقتصادی و چندین عدد دیگر حائز اهمیت هستند و به تصمیم‌گیری کمک می‌کنند. تمام تلاشتان را به کار گیرید تا از کلی‌گویی، مبهم‌گویی و نیز دریافت گزارش‌های ناشفاف اجتناب کنید. جامعه‌ای که با تصویر شفاف اعداد روبه‌رو شود، بهتر می‌تواند تصمیم بگیرد. کشورهای توسعه‌یافته بسیار به گزارش‌های عددی دقیق متکی هستند و مردم هم می‌دانند اوضاع از چه قرار است. اعدادی که دستکاری نشده باشند، با خود راه‌حل به دنبال خواهند داشت.

واژگانی برای تمام فصول حکمرانی

آقای رئیس‌جمهور، یکی از مواردی که لازم است به‌شدت و هرچه پرسون‌تر (دقیق‌تر) به آن دقت کنید، استفاده از واژگان درست است. اساسا زبان مجرای انتقال اندیشه است. اندیشه و زبان دو جزء جدایی‌ناپذیر از یکدیگرند که با کمک این دو می‌توان دانش را پیش برد و منتقل کرد. می‌خواهیم برایتان از دو مثلث صحبت کنیم که در هر رأس آن واژه‌ای مهم هست و داخل آن مثلث نام کشور. مثلث اول از سه واژه «دانش-اندیشه-زبان» تشکیل شده است. اندیشه رئیس‌جمهور باید پویا باشد و با بهره‌گیری از داده‌های عددی واقعی، بتواند تهدید را به فرصت و فرصت را به عمل تبدیل کند. اندیشه زایا و پویا نیازمند دانش است. دانش هم پدیده‌ای پیچیده است که بی‌شک نه فرد پرمشغله‌ای همچون رئیس‌جمهور بلکه حتی استادان برجسته اندیشکده‌ها هم که زمان زیادی برای پژوهیدن دارند، به آن اشراف ندارند؛ بنابراین وجود مشاوران دانا و توانا که در زمینه‌ای تخصصی دانش کلاسیک آموخته‌شده و نیز امتحان پس‌داده دارند، راهگشاست. حال رئیس‌جمهور باید با زبانی درخور جایگاه و از آن مهم‌تر درخور نام و پیشینه ایران، آن را بیان کند. اجازه دهید قبل از ادامه اهمیت زبان، نکته کوچکی را هم اشاره کنیم و بگذریم. در پاس‌داشتن زبان فارسی بکوشید و تا حد ممکن به زبان شیوای فارسی سخن بگویید. زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی ایران از سده‌های دور تا به امروز، در کنار دیگر زبان‌های اقوام عزیز این سرزمین، زبان همبستگی مردمان در برابر مهاجمان و ستیزه‌جویان بوده است. زبان فارسی سدی استوار در برابر بدسگالانی است که خواب شوم پاره‌پاره‌کردن ایران عزیزمان را دارند. نکات مهم دیگری که درباره زبان باید اشاره کنیم، یکی استفاده از واژگان رسمی و پرصلابت است و دیگری استفاده درست از واژگان. شوربختانه بسیاری از واژگان در ادبیات سیاسی-علمی-اجتماعی ایران یا درست برگردان نشده‌اند یا در جایگاه نادرستی استفاده می‌شوند. واژگان نادرست در جامعه‌ای که در یک قرن گذشته رشد شتابان دانش‌آموختگان را داشته، ایجاد کژتابی سیاسی و اجتماعی می‌کند. اجازه دهید با سه واژه معروف و مهم شروع کنیم. سه واژه «رشد-پیشرفت-توسعه» را حتما شنیده‌اید و بسیار هم به کار خواهید برد؛ اما این واژگان در بیش از ۹۰ درصد موارد به اشتباه به کار می‌روند. فرض کنید مدرسه‌ای با پنج کلاس درس و یک حیاط آسفالت‌شده داریم. سه آموزگار هم که سال‌هاست به‌روزرسانی نشده‌اند، در آن مدرسه تدریس می‌کنند. حال اگر ما عین همین مدرسه را کنارش بسازیم، بدون اینکه در تعداد کلاس، در آسفالت حیاط و در بهبود آموزگاران کاری کرده باشیم، صرفا دست به «رشد» زده‌ایم. حال اگر آموزگاران را به لحاظ کیفی و کمی تغییر ندهیم، اما در هر دو مدرسه کلاس‌های درس را ارتقای سخت‌افزاری و فناوری بدهیم، حیاط مدرسه را به زمین بازی استاندارد چند ورزش تبدیل کنیم. دستشویی‌ها و آبخوری‌ها را تعمیر کنیم و کوتاه سخن آنکه تغییرات سخت‌افزاری و فناورانه را بهبود ببخشیم، وارد مرحله «پیشرفت» شده‌ایم. حال اگر بیاییم و روی نیروی کار مدرسه و نیز دانش‌آموزان سرمایه‌گذاری کنیم، مثلا آموزگاران را به دوره‌های به‌روزرسانی اعزام کنیم، برای مدرسه مشاور آموزشی و روان‌شناس استخدام کنیم، با والدین جلسات منظم بگذاریم، روی افزایش مهارت‌های اجتماعی کادر مدرسه و دانش‌آموزان کار کنیم، کتاب‌های درسی را مبتنی بر زیستن در جهان قرن ۲۱ بازنویسی کنیم و در یک کلام روی «انسان» حاضر در مدرسه کار کنیم، آن‌گاه وارد فاز «توسعه» شده‌ایم. به زبان ساده توسعه در یک کشور، در تمام سطوح زمانی رخ می‌دهد که مبنا و محور آن انسان -در اینجا یعنی شهروندان- باشد. بقای همراه با فرهمندی دولت-مردم در قرن حاضر تنها زمانی ممکن است که کشورها سیاست‌های توسعه‌محور در پیش گیرند؛ یعنی سیاست‌هایی در راستای بهینه‌کردن زندگی فردی و اجتماعی عموم مردم جامعه که شهروند هستند، بدون هیچ‌گونه معیار تفکیک دیگر. آقای رئیس‌جمهور به دو واژه دیگر هم دقت کنید؛ «محصول و دستاورد». محصول، آنچه حاصل ساختن است؛ مثل جاده‌ها، پالایشگاه‌ها، انواع نیروگاه‌ها، انواع صنایع نظامی-دفاعی، پتروشیمی، شرکت‌های دانش‌بنیان و هرآنچه در این دسته می‌گنجد؛ اما دستاورد یعنی نتیجه محصول برای بهزیستی و بهبود زیست کمی و کیفی مردم. این دو شاخص محصول و دستاورد با ابزارهای متفاوتی اندازه‌گیری می‌شوند. محصول را می‌توان با پارامترهایی همچون میزان صادرات، میزان ارزآوری، میزان تولید خالص و ناخالص، میزان ذخیره ارزی و دیگر پارامترها سنجید؛ اما دستاورد چیزی است که مردم آن را می‌بینند، به آن حساس هستند و سنجش آن با میزان شادی، رضایت اجتماعی، رفاه عمومی، کاهش تنش‌های اجتماعی و نظایر آن امکان‌پذیر است؛ بنابراین صنعت، فناوری و دانش به‌تنهایی مردم را به زیست پردستاورد هدایت نمی‌کند. صدالبته دانش و فناوری راهی مطمئن برای زیستن بهتر است، اما این راه نیازمند سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه در جهانِ جهانی‌شده امروز است. بودند کشورهایی که در اوج قله‌های فناوری بودند و در حضیض دستاورد. کوتاه سخن اینکه پایداری نظام سیاسی که علائم حیاتی بقای فرهمندانه را داشته باشد، تابعی از محصول و دستاورد است. اجازه دهید برای پایان این بخش از دو واژه دیگر هم نام ببریم که به‌شدت برای کشوری مانند ایران که حیات آن در گرو گام‌نهادن در «راه باریک توسعه» است، لازم هستند؛ دو واژه «علم و شبه‌علم». سازوکار علم به‌ویژه پس از تحولات جهان‌شمول دوره باززایش یا رنسانس تا حد زیادی مشخص است، اما شبه‌علم داستان دیگری دارد. شبه‌علم می‌تواند انگیزه‌های مختلفی در افراد یا گروه‌هایی از افراد داشته باشد؛ انگیزه‌های پنهانی که گاه فهمیدنشان آسان نیست، اما مهار آن ممکن است. شبه‌علم می‌تواند در جامعه کج‌فهمی و دانش‌گریزی به بار آورد و تبعات آن بیش از هر نهادی، قوه مجریه را که رئیس‌جمهور در صدر آن است، گرفتار کند. با یک مثال ساده می‌توانیم منظورمان را برسانیم. در دوره‌ای که بیماری همه‌گیر کرونا شیوع پیدا کرد، بودند افرادی که یا از سر جهل و نادانی یا از سر اغراض نامعلوم وجود بیماری کرونا، توصیه‌های کادر درمانی کشور و پذیرفتن محدودیت‌ها را انکار می‌کردند؛ از آتش‌زدن کتاب‌های پزشکی نوین تا امتناع از بستن اماکن متبرکه و حتی اخیرا مخالفت با تزریق واکسن را در پیش گرفتند. این رفتارهای شبه‌علمی و حتی ضدعلمی، در واقع بار مالی سنگینی را بر دولت و کادر درمان تحمیل کرد. بودند کسانی که دستورهای بهداشتی را رعایت نکردند و راهی بیمارستان شدند و در این دوره سخت کادر درمان، باری اضافی بر دوش دولت و کادر درمان شدند. جان کلام اینکه از شبه‌علم نه‌تنها بپرهیزید بلکه با آن به‌شدت مخالفت کنید. شبه‌علم در مقیاس وسیع آفت توسعه و خردمندی جامعه است.

رسالت گمشده وزارتخانه‌ها

آقای رئیس‌جمهور بیایید فرض کنیم وزارتخانه‌های یک کشور مانند اعضای بدن هستند که هریک مسئولیت مدیریت و ساماندهی بخشی از کشور را بر عهده دارند. نخست اینکه باید بدانید این اعضا به هم بسته و پیوسته‌اند. شفاف سخن این است که مستقل از دولت‌هایی که آمده‌اند، گویی این وزارتخانه‌ها به وظایف خود به‌درستی عمل نکرده‌اند. شاهد ما بر این سخن دست‌نیافتن کشور به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله است. برای اینکه مطمئن شوید به اهداف دست نیافته‌ایم، به اعداد راستی‌آزمایی‌شده رجوع کنید و نه شعارها و صحبت‌های کلی. تک‌تک وزارتخانه‌ها را می‌توان زیر ذره‌بین برد و بررسی کرد، اما قصد داریم یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌ها را که نقشی بی‌بدیل در کل کشور دارد، اندکی عیب‌یابی کنیم. آقای رئیس‌جمهور، اوضاع نشر کشور خوب نیست. اجازه دهید با صداقت خدمتتان اعلام کنیم که اوضاع ناشران دانشگاهی اصلا خوب نیست. ناشران دانشگاهی را مثال می‌زنیم چون با طبقه‌ای از آحاد جامعه سروکار دارند که وجودشان برای رشد و پیشرفت و توسعه ایران ضروری است. اوضاع کتاب‌های علمی هم خوب نیست. جامعه ایرانی به‌شدت نیازمند آن است که کتاب بخواند و کتاب علمی بخواند؛ اما شوربختانه با وجود چند میلیون دانشجو و دانش‌آموز شمارگان کتب علمی هزار نسخه و حتی کمتر است. تهران و چند شهر بزرگ را نبینید، بروید به شهرهای کوچک و روستاها و ببینید در کتابخانه مدارس چند عنوان کتاب علمی و چه تعداد کتاب وجود دارد. در کشوری که باید عزم خود را جزم کند تا زبان فارسی را به زبانی علمی تبدیل کند، اندیشه‌ورزی را بگستراند، سه‌گانه رشد-پیشرفت-توسعه را طی کند، محصول دانشی و دستاورد دانشی تولید کند، با توجه به اوضاع نامطلوب اقتصادی خانواده‌ها کتاب را به دست پایین‌ترین دهک‌های کشور برساند، دغدغه‌اش هرچه بیشتر به‌روزرسانی دانش و فناوری از طریق کتاب و دیگر روش‌های نوین باشد، در همکاری تنگاتنگ با دو وزارتخانه آموزش‌وپرورش و آموزش عالی و ناشران باشد، شایسته نیست درگیر پدیده سانسور از چیزهایی باشد که در عصر کلان‌داده معنا ندارد. اجازه دهید مثالی بزنیم؛ از یکی از فیزیک‌دانان نامور جهان «استیون هاوکینگ» (هُکینگ) کتابی چاپ شد. فصل اول این کتاب هم‌راستا با برخی باورهای برخی از افراد جامعه ایرانی نبود. اتفاقی که افتاد این بود که ناشران برای رفع تکلیف صرفا مقدمه‌ای افزودند که نظرات نویسنده را تأیید نمی‌کنند و بنابراین کتاب‌ها مجوز چاپ گرفتند. یا گاهی اوقات به واژه «نظریه تکامل» حساس می‌شوند و حتی کتاب برجسته‌ترین زیست‌شناسان جهان را هم اجازه نشر نمی‌دهند. مواردی بوده که کتابی پس از چندین چاپ، سلب مجوز شده و موارد این‌چنین بسیار است. اینکه ناشران ایرانی در عصر کلان‌داده، در دوره‌ای که فایل بیش از ۹۰ درصد کتاب‌ها در دسترس است، اینکه نرم‌افزارهای رایگان ترجمه به‌وفور پیدا می‌شود، دغدغه‌شان سانسور موارد علمی باشد، پسندیده نیست. از وزیر ارشاد بخواهید فضای نقد را باز کنند؛ برای مثال نهاد خانه کتاب می‌تواند مسئولیت نقد و آگاهی‌افزایی در بخش کتب علمی را به‌خوبی عهده‌دار شود که چند سالی است به فراموشی سپرده شده. در قرن بیست‌ویکم سانسور راه چاره نیست، بلکه باید با دانش درخت نقد را پربارتر کرد. پایان‌بخش این قسمت را با این توصیه به پایان می‌بریم که از چاپ و ترجمه آثار دانشگاهی در زمینه‌های علوم محض و کاربردی حمایت کنید. ناشر و مؤلف و مترجم آثار دانشگاهی نیازمند حمایت واقعی است. حمایت از آثار دانشگاهی سرمایه‌گذاری بدون ضرر است.

صنعت در اسارت سیاست‌زدگی

آقای رئیس‌جمهور، اجازه می‌خواهیم یکی دیگر از مشکلات کشور را بگوییم. صنعت و سیاست در تمام کشورهای دنیا با هم در برهم‌کنش هستند. این دو روی یکدیگر تأثیرات شگفتی می‌گذارند؛ چه تأثیرات مفید و چه اثرات مخرب. دامنه این تأثیرات می‌تواند یک منطقه جغرافیایی یا کل جهان را شامل شود. اختراع پنی‌سیلین و کود شیمیایی در کل جهان توانست بیماری‌ها و قحطی غذایی را مهار کند. از سوی دیگر اختراع گازهای شیمیایی و میکروبی و استفاده از آن در مقیاس صنعتی و نیز استفاده از بمب هسته‌ای بر فراز هیروشیما و ناگازاکی با خود تاوان مرگ‌بار میلیونی آورد و چهره جنگ و معادلات سیاسی را بر هم زد. اما در کشور عزیزمان اتفاق دیگری هم افتاده است؛ صنعت در اسارت سیاست‌زدگی است؛ از صنایع مربوط به مسکن بگیرید تا خودرو، از بحران آب بگیرید تا دارو.اما ورای تمام اینها می‌خواهیم دو بخش مهم از صنعت را نام ببریم که به باورمان مظلوم واقع شده‌اند و با وجود اهمیت فزاینده‌ای که دارند، مورد بی‌مهری و بدسگالی قرار گرفته‌اند. یکی از آن دو «صنعت هسته‌ای» است و دیگری «صنایع نظامی». آقای رئیس‌جمهور، صنعت هسته‌ای که قدمت آن در کشورمان نیم‌قرن است و زنان و بزرگ‌مردانی همچون علی‌اکبر اعتماد و استادان پیش‌کسوت هسته‌ای و بسیاری دیگر برایش زحمت وافر کشیده‌اند و می‌کشند، از ارکان پیشرفت ایران است. صنعت هسته‌ای به‌دلیل حساسیت‌های بالایی که دارد از استانداردها و سختگیری‌های اجرائی و ارزیابی بالایی برخوردار است. صنعت هسته‌ای می‌تواند بخش چشمگیری از دیگر صنایع کشور را ارتقا دهد؛ زیرا بخش‌های زیادی از صنایع گوناگون در به‌گردش‌درآمدن صنعت هسته‌ای نقش دارند. از سوی دیگر صنعت هسته‌ای می‌تواند کشور را در برخی زمینه‌ها بی‌نیاز و حتی تبدیل به صادرکننده کند؛ اما آلودن صنعت کلیدی و راهبردی هسته‌ای، به‌ویژه برای کشوری همچون ایران، به سیاست‌زدگی ظلمی بزرگ بر نسل امروز و فردای ایران و ستمی سترگ بر امنیت انرژی کشور است. استاد دانشگاهی صنعت هسته‌ای را ناجوانمردانه «چاه ویل» می‌نامد و نماینده مجلسی که آن را نماد «ستیز با برخی کشورها» می‌داند، جملگی تازیانه در دست گرفته‌اند و بر صورت و پیکر صنعتی می‌کوبند که وجودش به اندازه نان شب برای «توسعه پایدار» ضروری است. آقای رئیس‌جمهور، شما قطعا خوب می‌دانید که صنعت هسته‌ای ایران مشکل اصلی و منشأ بحران‌ها نیست. هسته‌ای بهانه است، چه برای کاسبان تحریم و چه برای واضعان تحریم. صنعت هسته‌ای کاربردهایی ورای تصور مردم دارد؛ اما افسوس که بدخواهان و فرومایگان طوری وانمود کرده‌اند که گویی خاستگاه بحران‌ها و مشکلات، صنعت هسته‌ای است. درباره صنایع نظامی نیز چنین است. در جهان امروز که هزینه‌های نبردهای بزرگ مانند جنگ‌های جهانی و جنگ هشت‌ساله بسیار بالاست، صنایع نظامی علاوه بر وظیفه کلاسیک خود که بر عهده دارند، تبدیل شده‌اند به نهادی که می‌تواند به رشد و پیشرفت فناوری کمک کند، می‌تواند پروژه‌های کلان را با تکیه بر نیروهای متخصص داخلی انجام دهد، از حمل‌ونقل هوایی تا ماهواره‌های اکتشافی و از جنگنده‌های مدرن تا هواپیمای خاموش‌سازی آتش. این مهم نیز زمانی ممکن است که شما در جایگاه رئیس‌جمهور مانع حمله سیاست‌زدگی به آن شوید. اساسا صنایع موسوم به «های‌تک» هرچه بیشتر به سمت تخصص‌گرایی بروند، هرچه بیشتر از حاشیه دور باشند و هرچه بیشتر محصولشان به دستاورد تبدیل شود، همان‌قدر پربازده‌تر خواهند شد. آقای رئیس‌جمهور، نه از جراحی صنعت بهراسید و نه از سرمایه‌گذاری در آن. متخصصان جوان را بدون سختگیری‌های بیهوده و نیز با رعایت اصل شایسته‌سالاری میدان دهید و مدیریت اصولی را در پیش گیرید. آنگاه خواهید دید در مسیر درست صنعت حرکت‌کردن چه میوه‌های پربازدهی را به ارمغان خواهد آورد.

جامد، مایع، گاز

آقای رئیس‌جمهور، در فیزیک سه حالت کلاسیک مادّه وجود دارد؛ جامد، مایع، گاز. ما هم می‌خواهیم از این استعاره بهره جوییم و به سه موضوع حیاتی کشور اشاره کنیم. وضع زمین کشور مساعد نیست. از فرونشست زمین در تهران تا فرسایش خاک گریبان کشور را گرفته است. از جنگل‌های شمال کشور تا وضعیت زمین‌های کشاورزی خوب نیست و اینها بحران‌های واقعی کشور به شمار می‌روند. وضعیت آب کشور به معنای واقعی نامطلوب و بحرانی است. هر روز خبری از جایی می‌رسد که کشاورزان بر سر آب به تنش خورده‌اند. خشک‌سالی گریبان کشور را گرفته است. هوای شهرهای بزرگ آلوده است و ریزگردها زندگی مردم را مختل کرده. آقای رئیس‌جمهور اجازه دهید صادقانه بگوییم که راه‌حل در دست متخصصان مستقل است. راه‌حل در جیب پژوهشگران است. راه‌حل در اولویت‌دادن به راه‌حل تکنیکی است و نه ملاحظات سیاسی. حال محیط زیست کشور خراب است و نابودی محیط زیست درواقع نابودی خودمان است. زندگی به آب‌وخاک و هوا بسته است. کوتاهی در این موضوع‌های حیاتی-بحرانی می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد. از مهاجرت مردم تا تنش‌های قومی و تحمیل مالی تأمین مایحتاج کشور. شک نکنید بدون پشتوانه تمام‌عیار پژوهشگران و دانشمندان کشور و نیز بدون بهره‌مندی از تجربه‌های جهانی و اندرکنش‌های سازنده با ملل نخواهیم توانست شیب تند بحران جامد و مایع و گاز را از سر بگذرانیم. در پایان اشاره‌کنیم حل برخی مشکلات بازه زمانی دارند و اگر دیر اقدام شود، گویی بیماری است که دیر به بیمارستان رسانده‌اند. تأکید می‌کنیم که دانش و فناوری می‌تواند تهدید را به فرصت تبدیل کند، به‌شرط آنکه اصل را بر دانش‌محوری بی‌قیدوشرط بگذارید.

توسعه در کارزار جنگ و صلح

آقای رئیس‌جمهور، پیش‌تر اشاره کردیم توسعه مرحله‌ای از بالندگی کشور است که به انسان، به مردم، به شهروندان و به آحاد جامعه گره خورده باشد. حال می‌خواهیم نشان دهیم چگونه مردمانی که آموزش دیده‌اند، مردمانی که تخصص و دانش آنها ارج نهاده شده، مردمانی که همواره حس کرده‌اند بهبود زیستی، آموزشی، بهداشتی و اقتصادی آنان اولویت دولت بوده، می‌توانند در کارزار جنگ و صلح ستون‌های محکم برای بقای فرهمندانه و ظفرمندانه کشور باشند، به زبان ساده این‌گونه بگوییم. مردمان توسعه‌یافته، سلسله جبال مستحکم در جنگ و صلح هستند. به زمان‌های دور برویم. زمانی که قشون ایران به فرماندهی مردی لایق همچون عباس‌میرزا نایب‌السلطنه در جنگ‌های طولانی ایران و روس، شکست خورد. برای این شکست تاریخی و زخمی که بر پیکر ایران ماند و التیام نیافت دلایل بسیاری شمرده‌اند؛ اما از دلایل مهم آن می‌توان به دو نکته اشاره کرد. جامعه آن روز ایران از چند چیز رنج می‌برد. نخست اینکه ایران پس از دوره نوزایی یا رنسانس از جهان عقب مانده بود و هنوز هم این عقب‌ماندگی وجود دارد. عباس‌میرزا نه لشکری آموزش‌دیده و ورزیده داشت و نه فناوری نظامی مناسب آن روز؛ بااین‌حال پیروزی‌هایی به دست آورد. کاری که عباس‌میرزا کرد هوشمندانه بود. او درپی ریشه عقب‌ماندگی بود و فهمید باید روی نیروی انسانی سرمایه‌گذاری کند تا بتواند در فناوری هم ابتکار عمل داشته باشد. نقطه مقابل این رویداد جنگ هشت‌ساله است. ایران با تمام مشکلات سیاسی و آشفتگی ناشی از وقایع، توانست جلوی ارتش قدرتمند عراق را بگیرد. داستان‌ها را کنار بگذاریم و با نگاه شفاف ببینیم. عامل مهم پیروزی ایران در جنگ -به این معنا که قرارداد الجزایر محفوظ ماند و خاکی از کشور جدا نشد- وجود فناوری مدرن و نیروی متخصص بود. تانک و جنگنده و ناو بدون مجموعه‌ای از نیروهای متخصص بی‌فایده است و بدون فناوری هم نیروی متخصص ناکارآمد می‌شود. در زمان صلح هم چنین است. رابطه دوسویه‌ای میان کشوری که در سایه صلح وارد کارزار صنعت منطقه‌ای و جهانی می‌شود، وجود دارد. متخصصان توان تعامل کاری- علمی را با دنیا دارند و در سایه آن فناوری یا فن-آوری را به بار می‌نشانند. جان کلام اینکه در صلح و جنگ می‌توان نگاهی توسعه‌محور داشت. توسعه در قرن بیست‌ویکم و به‌ویژه برای ایران جنسیت ندارد.

درس‌هایی از کرونا

نزدیک به دو سال است که کشور با بیماری کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کند. کرونا درس‌های پیدا و پنهان زیادی داشت. از کادر درمان و آموزش‌وپرورش تا فساد دارویی و واکسن بومی. کرونا درس‌های خوبی با خود به همراه داشت. نخستین آن اهمیت مشارکت و همیاری مردم با دولت است. اگر مردم اعتماد کنند و آموزش ببینند، می‌توانند همیار دولت شوند و بحران‌ها با هزینه کم سپری شوند. درس دیگری که کرونا با خود آورد حاکمیت فضای مجازی یا حاکمیت شبکه‌های اجتماعی است. در همین دو سال گذشته کادر درمان به‌طور مستمر آموزش‌های خوبی به مردم ارائه کردند. این رابطه شکل‌گرفته میان مردم و کادر درمان می‌تواند هدایت شود و به افزایش کیفیت زندگی ایرانیان و درپی آن کاهش هزینه‌های درمان در کل کشور منجر شود. از دیگر درس‌های کرونا نقش بی‌بدیل اینترنت در زندگی روزمره است. محدودسازی ظرفیت‌های اینترنت درواقع محدودسازی ظرفیت‌های توسعه در مقیاس وسیع است. کرونا نشان داد ایرانیانِ متخصص کماکان تاب‌آوری بالایی دارند. مثال عینی آن کادر درمان و آموزگاران مدارس است. با تمام دشواری‌ها بار سنگینی را بر دوش کشیدند. حال سزاوار است مشکلات ساختاری در مقیاس کلان حل شود و این توان تاب‌آوری صرف تبدیل تهدید به فرصت شود و نظام درمانی کشور اصلاحات اساسی داشته باشد. اجازه دهید برای نمونه به چند مورد اشاره کنیم. در کشور ما برخلاف آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد در برخی اقلام دارویی تولید مازاد داریم. به این معنا که از یک قلم دارو چندین و چند شرکت تولید می‌کنند و برای فروش آن دست به دامن تکنیک‌های فروش می‌شوند. این در حالی است که دولت می‌تواند ترتیبی اتخاذ کند که تنوع داروی تولیدی بیشتر شود. از واحدهای پژوهشی هم حمایت کند تا به سمت تولید داروهای متنوع و باکیفیت بالا بروند. در بلندمدت هم به سمت خودکفاتر شدن در مواد اولیه برویم و در تعامل با جهان بتوانیم با بهترین شرکت‌های دارویی جهان همکاری کنیم. بخش دارو و درمان از حوزه‌های مورد حساسیت مردم است و اختلال و فساد در این بخش به‌شدت در روان مردم اثر می‌گذارد. اگر تعارف را کنار بگذاریم، در کشور فساد دارویی داریم. حتی گاهی سامانه توزیع نادرست دارو منجر به کمبود گسترده می‌شود. این در حالی است که سامانه توزیع ایراد دارد. برای نویسندگان همین مقاله بارها پیش‌آمده که برخی داروها را از بازار سیاه با چندین برابر قیمت تهیه کرده‌اند. آقای رئیس‌جمهور، برخی از این فسادها که با جان مردم هم سروکار دارند، اثرات مخربی دارند که تیر ترکش آن نخست کل کشور را و بعد دولت را هدف می‌گیرد. یکی از نویسندگان همین مقاله پنج سال است که درگیر پرونده فساد اقتصادی در یکی از داروخانه‌های معروف، واقع در قلب تهران است. داروخانه‌ای که چندین شاکی متواتر دارد و پشت پرده مالک اصلی آن یک بنگاه‌دار است. یک سر پرونده بنگاه‌دار است، یک سر دیگر یکی از مدیران یکی از کارخانه‌های داروسازی معروف و یک سر دیگر آن داروساز بازنشسته و باسابقه یکی از داروخانه‌های دولتی بزرگ تهران. اگر تنها یک مورد از اثرات ویرانگر این پرونده پنج‌ساله بگوییم این است که آسیب روانی و بحران اقتصادی و پیامدهای ناگواری که پیش‌آمده منجر به توقف ترجمه چند کتاب در زمینه فیزیک هسته‌ای و رآکتورها و رادارهای کوانتومی شده است. ظاهر امر این است که به قوه قضائیه ربط دارد؛ اما تبعات آن محروم‌ماندن هزاران پژوهشگر از کتاب‌هایی است که آسیب روانی مانع از انجام کار است. حال اگر دولت بتواند فقط فسادهای بخش داروخانه‌ها را مدیریت کند، همین یک گام تأثیر مهمی در آرامش دارویی کشور خواهد داشت. در پایان مجدد تأکید می‌کنیم صنعت دارو و درمان می‌تواند در صورت اصلاح ساختار و گام‌برداشتن هرچه بیشتر به سمت دانش-محوری نقطه قوت استراتژیک و درآمدزایی شود. در غیر این صورت اگر در دستان مافیای دارو و درمان باز باشد و شبیه بنگاه‌داری عمل شود، تبدیل به تهدید خواهد شد. همین حالا در کشور شرکت دارویی داریم که در استانداردهای بالا برای بیماران خاص دارو تولید می‌کند و شوربختانه داروخانه‌ای داریم در دستان نااهلانی است که تیشه به ریشه بیمار و کشور می‌زند. جان کلام اینکه اجازه ندهید زحمات ستودنی متخصصان حوزه دارو و درمان زیر چرخ‌دنده‌های سیاست‌زدگی و منافع شخصی و غیرملی برود.

از دانشگاه تا دانشگاه

آقای رئیس‌جمهور، حال دانشگاه‌های کشور خوب نیست. دانش پدیده‌ای است که با عوامل زیادی همچون دموکراسی، سیاست‌گذاری، اقتصاد، سرمایه‌های اجتماعی، سیاست و بسیاری چیزها گره خورده است. از زمان تأسیس دارالفنون تا به امروز نهاد دانشگاه فرازوفرود بسیاری داشته است و با مشکلاتی بزرگ دست‌به‌گریبان بوده است. حل مشکلات نهاد دانشگاه به‌واقع کمک به حل مشکلات ریز و درشت کشور از مجرای عقلانیت است. نیروی متخصص مهم‌ترین پارامتر توسعه کشور است که باید در دانشگاه تربیت شوند. با تمام خوبی‌ها و بدی‌های رشد نمایی نهاد دانشگاه در کشور، آنچه درحال‌حاضر سرمایه بزرگ به‌شمار می‌رود، تربیت تعداد زیادی نیروی آموزش‌دیده است که می‌تواند در سایه سیاست‌های درست موتور محرک کشور شود. بی‌پرده بگوییم یکی از معضلاتی که گریبان کشور را گرفته و جبران‌ناپذیر است، موج مهاجرت دانش‌آموختگان نهادهای دانشگاهی است. این حجم از کلاس‌های آزمون آیلتس و تافل و این تعداد خروجی از کشور، به‌راستی نشان از بحرانی عمیق دارد. کشور بدون نیروی جوان متخصص شیر بی‌یال و دم است. دانشگاه‌های کشور نیاز دارند به‌طورعملی و واقعی، به لحاظ مادی و معنوی حمایت شوند. درحال‌حاضر کشور نیازمند رئیسان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌هایی است که نگاهی ملی داشته باشند و به حل مشکلات کشور با کمک نیروی دانشگاهی بپردازند. اگر از آفت بدخیم نورچشمی‌ها و استادنماها بگذریم که باعث عقب‌ماندگی کشور هستند، بدنه دانشگاهی کشور در صورت حمایت واقعی -نه کلامی و وعده‌ای- می‌تواند رشد و پیشرفت و توسعه را به بار آورد. محدودسازی دانشگاه و علوم غیرزاستاری به تفکری خاص، زدوبندهای پنهانی، تحریم‌های علمی، مشکلات اقتصادی جامعه دانشگاهی و ده‌ها مشکل دیگر حل‌شدنی هستند و ثمره آن شکوفایی کشور است. دانشگاه‌ها را دریابید و در پیوند آن با جامعه و صنعت کوشا باشید. در پایان از شما می‌خواهیم از دو دسته پرهیز کنید. نخست کسانی که به‌ظاهر فردی دانشگاهی هستند اما به‌واقع زبان نقد و تحلیل را بسته و مدح بی‌پایه را در پیش‌گرفته‌اند. آنها که مدام مدح می‌کنند، هرچند در جایگاه دانشگاهی نشسته‌اند؛ به‌واقع دانشگاه هستند و مانع افق‌گشایی. اجازه دهید دانشگاه بدون لکنت حرف بزند. دسته دیگر مدیران و مسئولانی که هرگونه منفعتی جز منافع ملی را اولویت می‌دهند. در این زمینه سخن بسیار است اما با این جمله تمام کنیم که دانشگاه استاندارد متخصص و شهروند توسعه‌یافته و میهن‌دوست تربیت می‌کند و ازقضا حکمرانی و تعامل با مردمان توسعه‌یافته به‌مراتب آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است. حکومت سعادتمند، حکومتی است که مردمانش توسعه‌یافته باشند و در راه توسعه گام بردارند. نهاد دانشگاه استانداردِ قرن بیست‌ویکمی می‌تواند این رسالت را به سر منزل مقصود برساند.

نشان‌های بی‌نشان توسعه

آقای رئیس‌جمهور، همان‌طور که در ابتدا اشاره کردیم، توسعه نشان‌هایی دارد که گاهی به چشم نمی‌آیند، اما بسیار حیاتی و ضروری‌اند که مدام رصد شوند و به شکل اعدادِ راستی‌آزمایی‌شده بررسی شوند تا تصویری شفاف از وضعیت کشور ارائه کنند. تعداد واژگان ما در این مقاله محدود است و به‌ناچار موارد را نام می‌بریم، اما متخصصان توسعه می‌توانند تک‌تک موارد را برایتان شرح دهند. برخی از شاخص‌های توسعه عبارتند از:

۱- شاخص جهانی حکمرانی که شامل: کنترل فساد، اثربخشی دولت، حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و نبود خشونت و تروریسم و کیفیت مقررات است.

۲- شاخص سهولت کسب‌وکار که شامل آغاز کسب‌وکار، امور مربوط به مجوز ساخت، دریافت برق، ثبت مالکیت، دریافت اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران خُرد، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، اجرای قراردادها و ورشکستی و پرداخت بدهی است.

۳- شاخص کامیابی که شامل کیفیت اقتصادی، آموزش، شرایط بنگاه‌داری، حکمرانی، سلامت، فضای سرمایه‌گذاری، شرایط زندگی، زیرساخت و دسترسی به بازار، فضای طبیعی، آزادی فردی، امنیت و ایمنی، سرمایه اجتماعی است.

۴- شاخص حقوق مالکیت که شامل استقلال قضائی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، حمایت از مالکیت فیزیکی، ثبت مالکیت، دسترسی آسان به وام، حمایت از مالکیت فکری، حمایت از حق ثبت اختراع است.

۵- شاخص پیشرفت اجتماعی که شامل تغذیه و مراقبت‌های پزشکی ابتدایی، آب و بهداشت، امنیت شخصی، سرپناه، دسترسی به دانش اولیه، دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، سلامتی و بهروزی، کیفیت محیطی، حقوق شخصی، آزادی و انتخاب شخصی، فراگیری و دسترسی به آموزش پیشرفته است.

۶- شاخص توسعه انسانی که شامل امید به زندگی در بدو تولد، تعداد سال‌های مورد انتظار برای آموزش، میانگین تعداد سال‌های آموزش و درآمد ناخالص ملی سرانه است.

۷- شاخص جهانی نوآوری که شامل نهادها، سرمایه انسانی و تحقیق، زیرساخت، پیشرفتگی بازار، پیشرفتگی کسب‌وکار، خروجی‌های دانش و فناوری و خروجی‌های خلاقانه است.

۸- شاخص عملکرد محیط‌زیست که شامل کیفیت هوا، تخلیه فاضلاب و آب و آشامیدنی، مدیریت انتشار فلزات سنگین، مدیریت فضولات،تنوع زیستی و زیستگاه‌ها، خدمات زیست‌بوم، شیلات، کنترل تغییر اقلیم، مدیریت انتشار آلاینده‌ها، کشاورزی کارآمد و مدیریت منابع آب است.

۹- شاخص جهانی رقابت‌پذیری که شامل: نهادها، زیرساخت، به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت، مهارت‌ها، بازار تولید، بازار کار، نظام مالی، اندازه بازار، پویایی کسب‌وکار و توانایی نوآوری است.

۱۰- شاخص جهانی صلح که شامل: درک جرم، تعداد پلیس و نیروهای امنیتی، قتل، زندانیان، دسترسی به سلاح، احتمال وقوع اعتراضات خشن، خشونت، جرائم خشن، بی‌ثباتی سیاسی، ترور سیاسی، واردات سلاح، تأثیر تروریسم، ستیز داخلی، مرگ ناشی از ستیز داخلی، مخارج نظامی، تعداد نیروی نظامی، مشارکت مالی - و نیز اجرائی- در مأموریت‌های صلح‌آمیز، سلاح‌های هسته‌ای، صادرات سلاح، روابط با کشورهای همسایه، ستیز خارجی و مرگ ناشی از ستیز خارجی است.

آقای رئیس‌جمهور، این ۱۰ شاخص که به کوتاهی نام بردیم، نشان‌های بی‌نشان توسعه هستند و پارامترهای اندازه‌پذیر. پیشنهاد می‌کنیم رصدخانه توسعه تشکیل دهید و بخواهید هرساله گزارش عملکرد واقعی خدمتتان ارائه کنند. اینها شاخص‌هایی هستند که می‌توان با آن عملکرد ملی و بین‌المللی کشور را سنجید و فهمید در چه جایگاهی قرار داریم و برای بهبود باید چه کنیم.

یکی مرد جنگی به از صد هزار

نویسندگان این مقاله نخستین‌بار این مصرع «یکی مرد جنگی به از صدهزار» را در مقاله‌ای برای دو نفر از شهیدان والامقام نیروی هوایی ارتش کشورمان در جنگ هشت‌ساله به کار بردند. خلبان شهید «محمود اسکندری» که با هدف قراردادن پل عراقی‌ها روی اروند قفل بازپس‌گیری خرمشهر را گشود و دیگری خلبان شهید «عباس دوران» که با انجام عملیات بمباران پالایشگاه الدوره مانع برگزاری اجلاسی در عراق شد. حال می‌خواهیم به چند نکته مهم اشاره کنیم. نخست اینکه در اینجا «مرد» استعاره از انسان آموزش‌دیده، توسعه‌یافته و دارای حس مسئولیت شهروندی در قبال مردم و منافع ملی میهن است. زن و مرد هم ندارد. از قضا تحولات ایران چنین رقم خورده است که در ایران امروز «زنان محور توسعه هستند». بدون حضور زنان با استانداردهای قرن بیست‌ویکمی ایران هرگز روی ریل توسعه نخواهد افتاد. دومین نکته قدردانی از کسانی است که به‌رغم امکان مهاجرت از کشور، ماندن را برگزیده‌اند. اینان نیروهای قابل‌ستایش هستند. این جمله ابدا به معنای این نیست که از پژوهشگران ایرانیِ خارج از کشور نباید بهره جست. تعامل سازنده با آنان درهای جهانَ را به روی ایران می‌گشاید و توان رایزنی در راستای منافع ملی را بالا می‌برد. بسیاری از ایرانیان متخصصِ خارج از کشور بی‌شک سرمایه‌های اجتماعی و نمادین ایران به شمار می‌روند. در ایران امروز با وجود مشکلاتی که دارد، به هر بخشی که نگاه کنید متخصصان کاربلدی هستند که گوشه‌ای از کار را گرفته‌اند و با استانداردها کار می‌کنند. از رئیس انجمن نجوم ایران گرفته تا جراح برجسته‌ای در کرج که بیمارستانی درجه‌یک را تأسیس کرده، از رئیس مرکز تحقیقات ام‌اس گرفته تا معلمی که خلاقانه به شاگردانش درس می‌دهد. اینها سرمایه‌های واقعی کشور هستند و هرکدامشان مصداق بارز این بیت هستند: سیاهی لشکر نیاید به کار/ یکی مرد جنگی به از صد هزار. خلاصه کلام اینکه نگذارید مشکلات و سختی‌ها کمر نیروی متخصص را خم کند و دچار ناامیدی شوند. ناامیدی و دلسردی متخصصان تهدیدی بزرگ است. کمااینکه در بالا اشاره کردیم چگونه یک فساد اقتصادی منجر به توقف کار پژوهشی در گروه کاری سه‌نفره ما در زمینه رادارهای کوانتومی شده است.

اندوه ایران

آقای رئیس‌جمهور در پایان می‌خواهیم بار دیگر یادآور شویم که شما در جایگاه ریاست‌جمهوری کشوری هستید که در دنیا کم‌نظیر است و پیشینه‌ای درخشان به قدمت چند هزار سال دارد. آنچه در ایران امروز شاهد هستیم، شایسته نام ایران و مردم ایران نیست. مشکلات معیشتی سزاوار این کشور پر از انواع استعدادهای انسانی و فیزیکی نیست. روان مردم آسیب دیده است و به جد از شما می‌خواهیم در گروه کاری‌تان از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان کمک بگیرید تا روان اجتماعی مردم احیا شود. از یک‌سو بدسگالان خواب‌های شومی برای ایران دیده‌اند و از سوی دیگر مردم نیاز دارند تا شاهد تغییرات و چه‌بسا جراحی‌های سازنده در راستای منافع ملی باشند. شما می‌توانید در دوره ریاست‌جمهوری در اصلاح ساختاری و اصولی امور بکوشید و بذرهای توسعه را بکارید، آن‌چنان‌که بعد از شما آن بذرها به ثمر بنشینند. آقای رئیس‌جمهور، تمام آنچه را که برایتان نوشتیم، در سایه خردمندی و عقلانیت و دانش-محوری و دانشورزی ممکن است. دانش و دانشوران را گرامی دارید تا نام نیکی از شما بر جای ماند. در پایان برای شما و گروه کاری‌تان آرزوی موفقیت داریم و امیدواریم قدردان ایران و مردم ایران باشید. توصیه پایانی ما این است که «وجود مردم دانا مثال زر طلی‌ست».

رو به فردا

در آموزش عالی نیازمند تحول کیفی هستیم

رئیس‌جمهور منتخب ۱۴۰۰ و چالش‌های پیش‌روی علم و فناوری

علی طهایی*

انتخابات خردادماه ۱۴۰۰ اولین انتخابات ریاست‌جمهوری است که در دهه پنجم انقلاب اسلامی و پس از صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. این بیانیه که به‌نوعی نقشه راه مسیر آینده حرکت جمهوری اسلامی است، می‌تواند فضای گفتمانی انتخابات را تحت تأثیر خود قرار داده و جهت‌گیری شعارها در انتخابات و حتی نامزدهای انتخاباتی و برنامه‌های آنها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. این انتخابات دارای ویژگی‌ها و حساسیت‌هایی است که توجه به آن می‌تواند چگونگی مواجهه مردم با آن را تعیین کند. یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی که رئیس‌جمهور منتخب آینده باید مدنظر قرار دهد، فائق‌آمدن بر چالش‌های پیش‌روی کشور در حوزه علم و فناوری است که در ذیل برخی از موارد ذکر می‌شود:

۱- در سال‌های اخیر بزرگ‌ترین چالشی که ایران در حوزه علم و فناوری دارد، عدم تناسب شغلی فارغ‌التحصیلان و نیازهای اساسی کشور است. به این معنا که در آموزش عالی کشور با مشکل مواجه هستیم و باید تغییرات اساسی در این حوزه رخ دهد و باید به جهت‌گیری کیفی توجه داشت. براساس تحقیقات، بیش از ۷۰ درصد شغل‌های موجود در جهان در سال ۲۰۲۵ از بین می‌رود؛ به دلیل اینکه فناوری‌های نوین به وجود آمده و این فناوری‌ها جای مشاغل فعلی را می‌گیرد. در سال‌های اخیر دانشگاه‌ها و صنعت کشور از فناوری‌های جدید عقب افتاده است؛ اما رشته‌های دانشگاهی همچنان با رویکرد سنتی گذشته فعالیت می‌کنند. با وجودی که به‌تازگی رشته‌های مختلفی متناسب با فناوری‌های نوین ایجاد شده؛ اما اینکه تا چه حد این رشته‌ها توانسته‌اند وارد حوزه کار و اشتغال شوند، جای بحث دارد؛ بنابراین در علم و فناوری و آموزش عالی کشور نیازمند تحول کیفی هستیم. مؤلفه‌های مهم مرتبط با علم و فناوری که در شورای عالی انقلاب فرهنگی تبیین شده است، شامل موارد ذیل است: توسعه رشته دانشگاهی متناسب با نیاز کشور، اثربخشی مقالات در حل مشکلات و نیازهای جامعه، تولید محصولات فناورانه، انتشار تولیدات علمی و مقالات باکیفیت، بسط عدالت آموزشی و توسعه منطقه‌ای، افزایش ثبت اختراعات و ایجاد کسب‌وکارها از ثروت دانش‌بنیان. رئیس‌جمهور منتخب باید برای تک‌تک موارد ذکرشده، برنامه مدون داشته باشد و گزارش پیشرفت خود را به جامعه علمی و دانشگاهی اعلان کند. ازآنجاکه در علم، زمان و مکان معنی ندارد و محدودیتی هم برای کسب و تولید علم در جهان وجود ندارد، باید برنامه‌ریزی شود که علم برای رفاه مردم تولید شود. همچنین در پیشبرد دیپلماسی، علم و فناوری هیچ‌گونه جهت‌گیری سیاسی با سایر دولت‌های جهان را در نظر نگیرد. در نظام دانشگاهی باید براساس فناوری‌های جدید، تحول ایجاد شود، لازم است کمیته‌های بین‌رشته‌ای ایجاد شوند و مسیر جدیدی برای فناوری‌ها ترسیم شود. مهم‌ترین رشد کشور در ۲۰ سال گذشته در حوزه علم و فناوری بوده و باید این روند، کماکان با سرعت بیشتری ادامه یابد.

۲- امروزه پدیده مهاجرت نخبگان و متخصصان به خارج از کشور به دلیل آثار و تبعات سوء فرهنگی، سیاسی و نقش آن در تخریب عزت و اعتبار ملی، به‌عنوان تهدیدی جدی برای حال و آینده کشور دغدغه‌هایی در سطوح مختلف مدیریتی و اجتماعی کشور ایجاد کرده است؛ مسئله‌ای که به نظر می‌رسد در سال‌های آتی سیر صعودی هم داشته باشد. با توجه به تجربه موفق برنامه جذب نخبگان ایرانی غیرمقیم، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری در دولت قبل، رئیس‌جمهور منتخب ۱۴۰۰ نیز با درنظرگرفتن برخی نقصان‌های برنامه، مانع‌زدایی‌های لازم را در راستای بهبود برنامه انجام دهد تا شاهد حضور بیشتر نخبگان در کشور باشیم.

۳- در شرایط کنونی با وجود تحریم‌های همه‌جانبه، تنها شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها هستند که می‌توانند در کنار اشتغال‌زایی به تولید ثروت، توسعه اقتصادی بر پایه دانش و تحقق اهداف علمی و اقتصادی در راستای گسترش اختراع و نوآوری و درنهایت تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه در حوزه فناوری‌های نوین کشور کمک کنند و نقش مهمی در درآمدزایی فارغ‌التحصیلان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و همچنین رفع نیازهای جامعه ایفا کنند. شرکت‌هایی که برای رسیدن به این هدف مهم با چالش‌های زیادی مواجه هستند. با توجه به پیشرفت چشمگیر این نوع شرکت‌ها در سال‌های اخیر، رئیس‌جمهور منتخب باید به‌طور ویژه از این مسئله حمایت کند.

۴- اهمیت تکنولوژی به‌عنوان عامل اصلی توسعه اقتصادی در جهان امروز مشخص است. تکنولوژی در دامان دانش، پرورش می‌یابد و اصولا با گسترش تحقیق و توسعه می‌توان زمینه‌های کاربرد دانش در زندگی بشر را ایجاد کرد. ایجاد تکنولوژی نیازمند سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و آموزش نیروی انسانی است. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی و با وجود تحریم‌ها، مونتاژکاری به‌منظور افزایش تولید داخل و بی‌نیازی از سایر کشورها فرایندی درست و منطقی نباشد و اتکا به توان پژوهشگران داخلی برای تولید محصولی بومی نسبت به گذشته ضرورت پیدا کند. کشور ما نخبگان بسیار زیادی دارد که هرکدام از آنها نیز صاحب ایده‌های ارزشمندی هستند؛ ولی با اظهار تأسف در مقام عمل، آن‌چنان که باید و شاید موفق نبوده‌ایم. نظام علمی و دانشگاهی کشور در تقویت داده‌های خود باید به درجه‌ای برسد که ضعف‌ها و کاستی‌های صنعت و تولید داخلی را تشخیص داده و با واردات تکنولوژی و دانش فنی روز دنیا، به تولیدکننده داخلی کمک کند. سازمان‌دهی و مدیریت صحیح تکنولوژی برای تسهیل در ادغام مؤثر امکانات فیزیکی، توانمندی‌های انسانی و دانش فنی مورد نیاز است.

۵- اصلی‌ترین موضوع برای اجرای برنامه‌های بلندمدت، داشتن مدیریت و ساختار علمی لازم برای تحقق این برنامه‌هاست. یکی از شاخص‌های مهم در این زمینه قرارگرفتن دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و علمی در مدار توسعه و برنامه‌ریزی کشور است. متأسفانه در کشور ما چنین ساختاری وجود ندارد و دانشگاه‌های ما با وجود داشتن سرمایه‌های علمی مانند اعضای هیئت علمی مجرب و دانشجویان مستعد و نخبه، به علت موانع متعدد نمی‌توانند به‌عنوان محور توسعه کشور و پشتیبان برنامه‌های بلندمدت ملی عمل کنند. برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده‌نگری، موضوعی است که در کشورهای درحال‌توسعه زیاد مورد توجه قرار نمی‌گیرد. البته برخی از سیاست‌گذاران به اهمیت چالش‌های کلان آینده اذعان دارند؛ اما در عمل به این موضوع توجهی ندارند. یکی از مباحثی که برای کشور ما از اهمیت زیادی برخوردار است، شناخت چالش‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی و داشتن برنامه مدون برای مواجهه با آنهاست. داشتن استراتژی و اهداف بلندمدت در کشور باید مطابق معیارها و شاخص‌های شفاف و دقیق، تدوین شود. این اهداف نباید صرفا شعارگونه باشند، در غیراین‌صورت همان‌گونه که متأسفانه در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های کلان کشور شاهد آن هستیم، به علت مبهم و غیرشفاف‌بودن اهداف، کنترل و نظارت بر تحقق آنها عملی نبوده و پس از مدتی، برنامه به فراموشی سپرده می‌شود.

*** عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی**